

رابطه سبک‌های دلبستگی و رفتارهای پرخطر

زینب محمدعلی‌پور^۱، محمد رستمی^۲، مریم قائم‌مقامی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۰۴/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۰۵/۲۹

چکیده

هدف: زندگی پرتنش کنونی، جوان را در معرض آسیب‌های گوناگونی قرار می‌دهد. هدف این پژوهش، تعیین نقش سبک‌های دلبستگی در رفتارهای پرخطر دانشجویان بود. **روش:** روش پژوهش از نوع همبستگی در مقوله طرح‌های توصیفی بود. تعداد ۲۷۳ دانشجو به شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای در پژوهش شرکت کردند و به پرسشنامه‌های دلبستگی بزرگسال کولینز و رید و رفتارهای پرخطر پاسخ دادند. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد که سبک دلبستگی ایمن با رفتارهای پرخطر رابطه‌ی منفی و سبک دلبستگی اضطرابی-دوسوگرا و اجتنابی با رفتارهای پرخطر رابطه‌ی مثبت دارند. **نتیجه‌گیری:** بنابراین آموزش خانواده‌ها در زمینه‌ی ایجاد روابط ایمنی‌بخش با فرزندان و نیز ارایه برنامه‌های افزایش دهنده‌ی امنیت دلبستگی می‌تواند حایز اهمیت فراوان باشد.

کلیدواژه‌ها: سبک‌های دلبستگی، رفتارهای پرخطر، اعتیاد

۱. نویسنده مسؤل: کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه شهید بهشتی. پست الکترونیک: z_alipur265@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد مشاوره توانبخشی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

۳. کارشناسی ارشد مشاوره دانشگاه الزهرا

مقدمه

سنین جوانی و بویژه دوران دانشجویی، به دلیل مشارکت بیشتر جوان در گروه همسالان و قرار گرفتن در موقعیت‌های اجتماعی متنوع‌تر و نیز مسئولیت‌های تحصیلی، اجتماعی و اقتصادی بیشتری که از او انتظار می‌رود، می‌تواند بیشتر مستعد ارتکاب رفتارهای پرخطر باشد. چراکه گرایش به رفتارهای پرخطر^۱ در واقع نوعی گریز از مواجهه‌ی مؤثر با موقعیت‌های تنش‌زا است. رفتارهای پرخطر طیف وسیعی از رفتارهای آسیب‌زا مانند سیگار کشیدن و مصرف مواد مخدر، پرخاشگری اجتماعی و زد و خورد با دیگران، آسیب‌رساندن به خود، روابط نامشروع جنسی، و ... را شامل می‌شود (باریکانی، ۱۳۸۷). بالبی^۲ (۱۹۶۹/۱۹۸۲) در نظریه‌ی دلبستگی^۳ بر این اعتقاد بود که کودکان در ضمن تعامل با مراقبان اولیه، مجموعه‌ای از "الگوهای فعال" (یا نمایندگان روانی خود و دیگران) ایجاد می‌کنند که تنظیم هیجانی، رفتار و توسعه‌ی شخصیت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. الگوهای روانی خود، معرف چگونگی باور فرد در مورد ارزشمندی خود است و الگوهای روانی دیگران، معرف در دسترس بودن یا نبودن و پاسخگو بودن یا نبودن دیگران به نیازهای فرد هستند. پژوهش‌ها نشان داده‌است که دلبستگی ایمن (نمره‌های نسبتاً پایین در ابعاد اضطرابی و اجتنابی)، با مفهوم مثبت از خود و دیگران، حس کنجکاو و علاقه به کاوش‌گری، گشودگی شناختی و انعطاف‌پذیری در پردازش اطلاعات، تعهد ارتباطی و رضایت ارتباطی، رابطه دارد (بارتمه و هارویتز^۴، ۱۹۹۱؛ کولینز و رید^۵، ۱۹۹۰؛ فینی^۶، ۲۰۰۲ و میکولینسر^۷، ۱۹۹۷ به نقل از میکولینسر^۷ و همکاران، ۲۰۰۵). از طرفی پژوهش‌ها نشان داده که ویژگی‌هایی چون انعطاف‌پذیری و مسئولیت‌پذیری که از ویژگی‌های افراد دلبسته‌ی ایمن هستند با نوع دوستی و روابط سالم با دیگران رابطه‌ی معنادار دارند (برای مثال بیرامی، پوراسمعلی، صالحی حیدرآباد، غن‌دلیب کورایم، ۱۳۹۰). بنابراین با بررسی رابطه‌ی مستقیم دلبستگی و رفتارهای پرخطر که شامل رابطه‌ی پرخاشگرانه‌ی اجتماعی نیز می‌شود، می‌توان شناخت بیشتری از عوامل مؤثر در این رفتارها کسب کرد. پژوهش‌های متعددی، نقش خانواده در گرایش به رفتارهای پرخطر

1. Risky Behaviors
5. Kulinz & Rid

2. Balbi
6. Finii

3. attachment theory
7. Mikulincer

4. Bartemeh & haruitz

مانند گرایش به مصرف مواد مخدر تأیید شده است (برای مثال امین آقایی، ۱۳۸۸). امین آقایی (۱۳۸۸) در یک فراتحلیل به خوبی به جایگاه خانواده در پیشگیری از رفتارهای پرخطر اجتماعی اشاره کرد و از هم گسیختگی اجتماعی را مهم ترین عامل در بروز آسیب های اجتماعی دانست، و بیشتر به نقش خانواده در جامعه پذیری پرداخت. حال آن که در سطحی عمیق تر، از طریق توجه به نوع دلبستگی فرزند و والدین و در واقع ایمنی موجود در رابطه ی آنها می توان گرایش به رفتارهای پرخطر را حتی در خانواده های معمولی و نه از هم گسیخته بررسی کرد. در این چارچوب، مشهدی و محمدی (۱۳۸۸) به مقایسه ی سبک های دلبستگی در نوجوانان بزهکار و عادی پرداختند و یکی از پیامدهای نایمنی دلبستگی را بزهکاری و اختلال های رفتاری در نوجوان دانستند. پژوهش باریکانی (۱۳۸۷) حاکی از میزان بالای رفتارهای پرخطر در نوجوانان شهر تهران بود. در پژوهش های قبلی کمتر به پیشایندهای روانشناختی رفتارهای پرخطر پرداخته شده است. بنابراین با توجه به اهمیت سبک های دلبستگی در توجیه اغلب رفتارهای فردی و اجتماعی افراد، هدف این پژوهش، تعیین پیش بینی کنندگی سبک های دلبستگی برای رفتارهای پرخطر است و فرض می شود که (۱) با افزایش سبک دلبستگی ایمن، رفتارهای خطر کاهش می یابد؛ (۲) با افزایش سبک های دلبستگی نایمن (اجتنابی، دوسوگرا) رفتارهای پرخطر افزایش می یابد.

روش

جامعه، نمونه، روش نمونه گیری

پژوهش حاضر، یک پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بوده و جامعه ی آماری آن کلیه دانشجویان دانشگاه های تهران هستند. روش نمونه گیری خوشه ای تصادفی بوده است. به این صورت که در مرحله ی اول دانشگاه شهیدبهشتی به تصادف انتخاب شد و در مرحله ی دوم از میان سه گروه تحصیلی فنی، علوم انسانی و علوم پایه، سه دانشکده ی برق و کامپیوتر، ادبیات و علوم پایه و در مرحله ی دوم در هر دانشکده در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد چند کلاس درس به تصادف انتخاب شدند. به طور کلی تعداد ۲۷۳ دانشجوی داوطلب (۱۷۰ دختر و ۱۰۳ پسر) در پژوهش شرکت کرده و به پرسشنامه ها

پاسخ دادند. تعداد ۹۴ نفر از گروه علوم پایه؛ ۹۰ نفر از گروه فنی و ۸۹ نفر از گروه علوم انسانی بودند. همچنین ۹۰ درصد نمونه در مقطع کارشناسی و ۱۰ درصد در مقطع کارشناسی ارشد تحصیل می‌کردند.

ابزار

۱- پرسشنامه دلبستگی کولینز و رید (۱۹۹۰): این مقیاس مشتمل بر ۱۸ گویه است که از طریق علامت گذاری روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای (از نوع لیکرت) از به هیچ وجه با خصوصیات من تطابق ندارد = ۱، تا کاملاً با خصوصیات من تطابق دارد = ۵ سنجیده می‌شود. دارای ۳ زیر مقیاس به نام‌های: وابستگی (D)، نزدیک بودن (C)، و اضطراب (A) است (به نقل از پاکدامن، ۱۳۸۰). زیر مقیاس اضطراب (A) با دلبستگی اضطرابی-دوسوگرا مطابقت دارد و زیر مقیاس نزدیک بودن (C) یک بعد دو قطبی است که اساساً توصیف‌های ایمن و اجتنابی را در مقابل هم قرار می‌دهد؛ بنابراین، نزدیک بودن در تطابق با دلبستگی ایمن است و زیر مقیاس وابستگی (D) را می‌توان تقریباً عکس دلبستگی اجتنابی قرار داد. (به نقل از پاکدامن، ۱۳۸۰). کولینز و رید (۱۹۹۰)، به نقل از پاکدامن، ۱۳۸۰) نشان دادند که زیر مقیاس‌های نزدیک بودن، وابستگی و اضطراب در فاصله زمانی ۲ ماه و حتی در طول ۸ ماه پایدار ماندند و در مورد قابلیت اعتماد مقیاس دلبستگی بزرگسال، کولینز و رید میزان آلفای کرونباخ را برای زیر مقیاس دلبستگی ایمن ۰/۸۲، برای دلبستگی اجتنابی ۰/۸۰ و برای دلبستگی اضطرابی ۰/۸۳ گزارش دادند. از سوی دیگر، در پژوهش پاکدامن (۱۳۸۰) میزان اعتبار آزمون با استفاده از بازآزمایی مناسب ارزیابی شد. با توجه به این که مقادیر آلفای کرونباخ در تمامی موارد مساوی یا بیش از ۰/۸۰ است آزمون از اعتبار بالایی برخوردار است.

۲- پرسشنامه‌های رفتارهای پرخطر (۲۰۰۷): این پرسشنامه که ۵۲ گویه دارد، در بررسی ملی رفتارهای پرخطر دانشجویان امریکا در سال ۱۹۹۵ طراحی شد. نسخه اصلی پرسشنامه شامل ۹۶ سوال که رفتارهای پرخطر جوانان را در حوزه‌های مختلف شامل ایمنی، خشنونت، خودکشی، مصرف سیگار، مصرف الکل، مصرف انواع مواد غیر قانونی، رفتارهای پرخطر

جنسی، تغذیه و فعالیت بدنی مورد ارزیابی قرار می‌دهد. این پرسشنامه از لحاظ ویژگی‌های روانسنجی و تناسب برای جمعیت ایرانی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج پژوهش‌ها برای بررسی روایی نشان می‌دهد که این مقیاس می‌تواند علاوه بر این که گروه ملاک و گروه مورد را از یکدیگر متمایز سازد، قادر است در شاخص‌های ایمنی، خشونت، خودکشی، مصرف سیگار و مصرف الکل و مصرف مواد و همچنین در شاخص‌های تغذیه و فعالیت بدنی دو گروه را به طور معناداری از یکدیگر متمایز سازد. بنابراین، از روایی لازم برای سنجش این حوزه‌های رفتار پرخطر برخوردار است. به منظور تعیین اعتبار از دو روش همسانی درونی و بازآزمایی استفاده شد. با استفاده از روش همسانی درونی ملاحظه شد که ضریب آلفا برای کل آزمون ۰/۸۷ به دست آمد که نشانگر همبستگی بالا و قابل قبول مقیاس می‌باشد. همچنین در روش بازآزمایی، پرسشنامه تهیه شده پس از گذشت دو هفته از اجرای اول، بار دیگر روی آزمودنی‌ها به اجرا درآمد و ضریب همبستگی بین نمرات پرسشنامه در اجرای اول و دوم محاسبه شد. میزان ارتباط دو بار سنجش ۰/۸۶ گزارش شد. به منظور تعیین نقطه برش پرسشنامه از منحنی ROC استفاده شد. تحلیل نتایج، نقطه برش ۷۴ را ارایه کرد که قادر است افراد دارای رفتارهای پرخطر را از کسانی که رفتارهای پرخطر ندارند، با حساسیت ۸۵/۵ درصد و ویژگی ۷۲/۲ درصد متمایز سازد (رحیمی، ۱۳۸۸).

یافته‌ها

نتایج همبستگی پیرسون نشان داد که رابطه منفی معناداری بین نمرات دلبستگی ایمن و رفتارهای پرخطر به دست آمد ($r = -0.282, P < 0.001$). همچنین، رابطه مثبت معناداری بین نمرات اجتنابی ($r = 0.265, P < 0.001$) به دست آمد و نهایتاً نمرات اضطرابی-دوسوگرا با رفتارهای پرخطر رابطه‌ی مثبت معناداری را نشان دادند ($r = 0.273, P < 0.001$).

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد که هرچه بر میزان نایمنی دلبستگی شخص افزوده شود، گرایش او به رفتارهای پرخطر بیشتر خواهد بود و سبک دلبستگی ایمن، سبک دلبستگی اضطرابی-دوسوگرا و سبک دلبستگی اجتنابی روی هم‌رفته می‌توانند ۱۰/۸۴ درصد از واریانس

رفتارهای پرخطر را پیش‌بینی کنند. این یافته در چارچوب پژوهش‌های قبلی است. برای مثال، مهدی و محمدی (۱۳۸۸) بر این عقیده بودند که در افراد دارای سبک دلبستگی ایمن، محیط گرم و صمیمی خانواده، مانع از بروز رفتارهای پرخطر در فرزندانشان می‌شود و حمیدی (۱۳۸۸) نیز گزارش کرد که دختران فراری بیشتر دارای سبک دلبستگی نایمن هستند تا ایمن و در تبیین این یافته گفت که سبک دلبستگی ایمن منجر به افزایش مهارت‌های اجتماعی می‌شود و از این طریق از بروز جرایم در افراد پیشگیری می‌کند. همچنین، وی اعتقاد داشت که کیفیت دلبستگی نایمن حاکی از نایمی دلبستگی در رابطه با خداوند هم هست. بر این اساس فرد دلبسته‌ی نایمن، خود را از حمایت خداوند در موقعیت‌های تنش‌زا بی‌بهره می‌داند. با توجه به این که رفتارهای خطر در واقع، بی‌توجهی فرد به سلامت روحی و جسمی خود و دیگران را می‌رساند، می‌توان نوع نگرش فرد به خود و دیگران را زیربنای آن دانست. روابط کودک با مراقبان اولیه (مظاهر دلبستگی) موجب می‌شود تا او الگوهای فعال یا نماینده‌های درونی خود و دیگران را ایجاد کند که روی مدیریت عاطفه، رفتار و افکار او تأثیر می‌گذارد و نوع نگاه او به خود و دیگران را تعیین می‌کند. افراد دلبسته‌ی ایمن خود را قابل پذیرش و ارزشمند می‌دانند اما آن‌هایی که انگاره‌های دلبستگی غیرپاسخ‌گو و متناقض دارند، خود را غیرقابل پذیرش و بی‌ارزش ارزیابی می‌کنند. افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی تصویر مثبت از خود و تصویر منفی از دیگران می‌سازند چرا که پیشینه‌ی دلبستگی‌شان به آنان آموخته است که نباید روی کمک و حمایت دیگران حساب کنند. این افراد تمایلی به نزدیک شدن به دیگران نشان نمی‌دهند و به طور اجباری فاصله‌ی خود را از آنان حفظ می‌کنند تا از افکار پریشان‌کننده در امان باشند. افراد دارای سبک دلبستگی اضطرابی-دوسوگرا نیز به طور اجباری تمایل به مجاورت با دیگران دارند و به شدت نسبت به نشانه‌های طرد و ترک شدن حساس‌اند. این افراد تصویر منفی از خود و تصویر مثبت از دیگران دارند (میکولینسر و همکاران، ۲۰۰۵). پژوهش‌های مختلفی حاکی از نقش سبک‌های دلبستگی در عزت‌نفس بوده‌اند. برای مثال مؤیدفر، آقامحمدیان و طباطبایی (۱۳۸۴) دریافتند که سبک دلبستگی دوسوگرا و اجتنابی با کاهش عزت‌نفس اجتماعی همراه است. از این زاویه می‌توان گفت که چون داشتن ارتباطات سالم، ویژگی مهم شخصیت سالم است، هرگونه اختلال در عزت‌نفس

اجتماعی که عامل مؤثری در روابط سالم است، می تواند منجر به روی آوردن به رفتارهای پرخطر شود. از طرفی چون افراد دلبسته ی نایمن به دلیل روابط بین فردی ناکارآمد و نیز عدم احساس توانمندی، تنش بیشتری را تجربه می کنند، ممکن است برای تسکین خود به مصرف مواد مخدر و الکلسم و سیگار کشیدن روی آوردند و نیز به دلیل عدم احساس ارزشمندی خود و دیگران، مرتکب رفتارهای پرخطرگراانه شوند، زیرا این افراد از قدرت تحمل کمتری در مواجهه با تنش و فشار موقعیت برخوردارند و برای مثال از مدیریت خشم ناکارآمدتری استفاده می کنند (افروز، کاکابرابی، صیدی، قنبری و مؤمنی، ۱۳۸۹).

محیط خوابگاه و دوری از خانواده می تواند تنش زیادی ایجاد کرده و در نتیجه گرایش دانشجویان به رفتارهای پرخطر را افزایش دهد، اما این پژوهش نتوانست به این مهم بپردازد. با توجه به این که تعداد زیادی از جمعیت دانشجویی شهر تهران را دانشجویان ساکن در خوابگاه تشکیل می دهند، پیشنهاد می شود در پژوهش های بعدی بین دانشجویان ساکن در خوابگاه و دیگر دانشجویان از نظر انجام رفتارهای پرخطر مقایسه صورت بگیرد. با توجه به تأیید اهمیت سبک های دلبستگی در رفتارهای پرخطر در دانشجویان و هزینه ی سنگینی که این گونه رفتارها بر خانواده و جامعه وارد می کنند، به مراکز مشاوره دانشجویی توصیه می شود که برنامه های افزایش دهنده ی ایمنی دلبستگی را در مداخلات پیشگیرانه از رفتارهای پرخطر مدنظر قرار دهند.

منابع

- افروز، غلامعلی؛ کاکابرابی، کیوان؛ صیدی، مریم؛ قنبری، نیکزاد و مؤمنی، خدامراد (۱۳۸۹). رابطه سبک های دلبستگی با نحوه مدیریت خشم و سلامت عمومی. *فصلنامه اندیشه و رفتار*، ۱۸(۵)، ۸۷-۹۵.
- امین آقایی، مهرانز (۱۳۸۸). نقش همکاری خانواده و پلیس در پیشگیری از آسیب های اجتماعی. *فصلنامه علمی - پژوهشی انتظام اجتماعی*، ۱(۲)، ۸۰-۶۲.
- باریکانی، آمنه (۱۳۸۷). رفتارهای پرخطر در نوجوانان مدارس راهنمایی و دبیرستان های شهر تهران. *مجله روانشناسی و علوم تربیتی*، ۵۳(۱۵)، ۱۹۲-۱۹۸.
- بیرامی، منصور؛ پوراسمعی، اصغر؛ صالحی حیدرآباد، مجتبی؛ عندلیب کورایم، مرتضی (۱۳۹۰). بررسی نقش عامل های شخصیتی در پیش بینی تحول اخلاقی و نوع دوستی. *فصلنامه ی پژوهش های نوین روانشناختی*، ۶(۲۱)، ۲۴۶-۲۳۱.
- پاکدامن، شهلا (۱۳۸۰). بررسی ارتباط سبک دلبستگی و جامعه طلبی در نوجوانی. *مجله علوم روانشناختی*، ۹(۴۷)، ۳۳-۲۵.

- حمیدی، فریده (۱۳۸۸). بررسی رابطه‌ی سبک‌های دلبستگی دختران فراری با والدین آن‌ها. فصلنامه مطالعات فرهنگی - رفاهی زنان، ۴(۱۲)، ۷۱-۹۶.
- رحیمی، سید علی سینا (۱۳۸۸). بررسی ویژگی‌های شخصیتی، خودشناسی، و ارزش خود با رفتارهای پرخطر در دانشجویان دانشگاه تهران. رساله کارشناسی ارشد، منتشر نشده، دانشگاه تهران.
- مشهدی، علی و محمدی، محسن (۱۳۸۸). مقایسه‌ی سبک‌های دلبستگی در نوجوانان عادی و بزهکار. مطالعات تربیتی و روانشناسی، ۳(۱۰)، ۱۴۰-۱۲۷.
- مؤیدفر، همام؛ آقا محمدیان، حمیدرضا و طباطبایی، محمود (۱۳۸۶). رابطه‌ی سبک‌های دلبستگی و عزت نفس اجتماعی. مطالعات روانشناختی دانشکده‌ی علوم تربیتی و روانشناختی دانشگاه الزهراء، ۳(۱) و ۲، ۶۱-۷۲.
- Bowlby, J. (1969). Attachment and loss: Vol. 1. Attachment. New York: Basic Books.
- Mikulincer, M.; Shaver, P.R.; Gillath, O.; Nitzberg, R.A. (2005). Attachment, Caregiving, and Altruism: Boosting Attachment Security Increases Compassion and Helping, *Journal of Personality and Social Psychology*, 89, No. 5, 817-839.